

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۷.۰۹.۰۹

"جو دويد، گندم دويد ارزن د فیت فیت آمد"

و یا

کوتاه سخنی با آقای فرید فهمیم

زنده بودم و برای بار اول در صفحه انقیاد طلبان "جرمن-جرمن" نوشته ای از جناب "فرید فهمیم" را زیر عنوان "جوانب حقوقی استفاده از ایمیل" که تاریخ ۲۶.۰۹.۰۹ را بر بالای خود داشت، از نظر گذرانیدم. در خطوط کلی خود ایمیل جناب شان که خلاف سابقه نامعلوم این قلم، در سه دهه اخیر صاحب چنان شخصیت مبارزاتی آشکار و بنامی اند که ترکیب "اظهر من الشمس" برای شان خوردی می نماید، دفاع مذبحخانه ایست از همقطاران رسوا و خود فروخته اش که می تواند در چند مورد قابل توجه باشد:

۱- راجع به رفاقت بین پرچمی زاده رسوا و آقای "فهمیم" – حیف که جناب شان خلاف یار دیرینه که به "کبیر" نسب می رسانند از تبار خویش با "فهمیم قسیم" هیچ نگفته اند- زیاد شنیده بودم اما این را نمی دانستم که این نزدیکی تا آن درجه است که دلش طاقت ننموده در اقتضای نیز در کنار وی می ایستد.

۲- آقای فهمیم تلاش نموده اند تا ضمن بررسی جوانب حقوقی استفاده از ایمیل، به خواننده تلقین نمایند که گویا حرف یار غارش درست بوده و ایمیل هائی را که پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" دریافت می داشت، کار کدام جعل کار شرف باخته بوده است. در همین مورد جا دارد چند نکته برای آقای "فهمیم" تذکر داده شود:

الف: نمی دانم با این فهمی که شما دارید، به گفته مردم کابل چرا ترافیک نشدید که از پورتال انقیاد طلبان سرکشیدید؟ آخر بنده "یورو" حماقت هم حدی دارد، کاری نکن که مردم بگویند که آن تخلص از بابت ریشخند بر تو گذاشته شده است یعنی در عوض "فهمیم" ... را باید فهمید. اگر هنوز هم نفهمیده اید که چرا چنین مخاطب قرا می گیرید باید به عرض جناب "کثله فهم" برسانم، این تلاشهای شما وقتی خریدار داشت که دم خروس "جمعه گل وردک" و "الحاج فرخاری" دامن "افغان جرمن" را چنان بالا نمی زد که شرمگاهتان از زیر آن هویدا گردد. اما

بعد از آن دم، که سرش خدا می داند تا کجا ها پیش رفته، این تلاشهای مذبحخانه را به ز غالی شباهت می یابد که خواسته باشند با آن روی کسی را سیاه نمایند.

ب: این درست است که لانه انقیاد طلبان با موجودیت شما و پرچمی زاده رسوا در امور کمپیوتر از آگاهی نسبی برخوردار است، مگر این را هم بدانید که اولاً تمام آن دانش در وجود شما خلاصه نشده و کسانی دیگری هم هستند که در همین زمینه درجات علمی به مراتب بالاتر از شما را دارند و از کجا معلوم که با ما همکار هم نباشند و در ثانی وقتی از جعل ایمیل نام می برید فراموش نکنید که "آی. پی آدرس" های ارسالی را با اندکی کار می توان تا پشت دروازه فرستنده هم رساند. و این درست همان حماقتی بود که با فرستادن دشنام "جمعه گل وردک" از شما سر زد. حماقتی که در نوشته "الحاج فرخاری" تکرار نکردید مگر به شکل دیگری ابراز داشتید که نویسنده هر دو یک شرف باخته است که از نام پدرش شرم دارد و مادر بیچاره اش را برای یک نام از وردک تا فرخار به دنبال خویش می کشاند.

۳- شما با تذکر اینکه کسی را از پورتال تان نرانده اید و در مجموع از عدم پذیرش این قلم سخن به میان آورده اید، به صورت غیر مستقیم بر دروغ های پرچی زاده رسوا خط بطلان کشیده اید. پیشنهاد من این است که وقتی کسی می خواهد برایت بنویسد اول از وی بخواه تا در به کار گیری کلمات سطح دانش ترا در نظر بگیرد و در ثانی نوشته های دوستان را نیز یک بار بخواند تا مجبور نباشید یکی بر روی دیگری تف بیندازید.

۴- "فهمیم" لانه انقیاد طلبان از عدم پذیرش این قلم یعنی "سید حسین موسوی" چنان سخن به میان می آورد که گویا من در راه مانده بودم و با هزاران عجز و زاری می خواستم به عضویت افغان جرمن نایل گردم مگر سطح بالا و معیار های خجسته افغان جرمن مانع از پذیرش این قلم گردید.

آقای "فهمیم" به خاطر آنکه برای انسانی با فهم شما، کمبود حافظه می تواند یک نقیصه باشد باید به عرض تان برسانم:

مثلاً عضویت من در افغان جرمن آنلاین دیروز و یا لانه انقیاد طلبان کنونی، دقیق به همان ضرب المثل عامیانه مردم ما می ماند که گفته اند "خانه داماد خبری نه، خانه عروس دنگ و دهل".

شما که خود می دانید:

الف: هیچگونه اطلاعی از ترکیب و سبک کار افغان جرمن نداشتیم

ب: اساساً نمی دانستم که پورتال عضو دارد و یا نه؟

پ: بر همان اساس نه کتبی و نه هم شفاهی تقاضائی برای عضویت سایت شما نداده ام

ت: این شما بودید که بدون اطلاع من، بعد از شنیدن مصاحبه ها - یکی دو مصاحبه اول از بار سیاسی کمتر برخوردار بود- و نوشته هایم از شوق یافتن یک همکار جدید شادی مرگک شده و در جلسه نه نفری پورتال تان عضویت را مطرح نموده بودید.

خلاف ادعای امروزی تان که بدون شرم دروغ می گوئید، در جلسه ای که پیشنهاد عضویت من شده بود، ضمن رأی گیری با اکثریت مطلق مرا به عضویت پورتال پذیرفته بودید و حتا فردی که باید برایم خیر مقدم بنویسد، نیز مشخص شده بود.

ث: فردای آنروز همان یک نفریکه روز گذشته هنگام رأی گیری اتفاق آراء را شکستاده بود، بر فیصله جمع پشت پا زده و با تحمیل اراده فردی خویش بر جمع، بیشتر از آنکه به من صدمه زده باشد در عمل به تمام رأی دهندگان فهماند که به حساب مردم کابل رأی آنها مساویست با "پشم".

تا جائیکه من میدانم نخستین جرعه های مخالفت برخی از دوستان ودر پیشاپیش آنها دو تن از آزاد مردان آقایان "معروفی" و "عزیز" از همین جا آغاز یافت. چه آنها صرف نظر از پذیرش ویا عدم پذیرش من، به خود و رأی خویش احترام داشتند و نمی توانستند بپذیرند که چنین مورد اهانت قرار گیرند.

ج: کسیکه آن فیصله را به صفر ضرب زد آقای "عطائی" بود. از آنجائیکه تا آن روز ما کدام برخورد حضوری ویا قلمی با هم نداشتیم که از من شناختی داشته باشند، یگانه دلیل مخالفت شان را می توان همکاری شان با استخبارات "داوود" خان ویا دشمنان خونی این قلم "خلق و پرچم" دانست. در هر صورت از اینکه با آن مخالفت سایت افغان جرمن آنلاین را در سرایشیب رسوائی وسقوط قرار دادند و باعث آن گردیدند تا شریفتزین اعضای آن سایت، به مثابه احتجاج از آن بریده وپورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" را به وجود بیاورند، نمی توانم از ایشان مشکور نباشم.

ج: وقتی از تمام این وقایع ماه ها بعد از ایجاد پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" اطلاع یافتم به دوستان گفتم که باید از آقای "عطائی" مشکور بود که با پذیرش من مخالفت نمود در غیر من خود مجبور می شدم جواب رد به آن فیصله بدهم. چه فرستادن مقاله به یک سایت یک چیز است و عضویت آنرا پذیرفتن چیز دیگر.

ح: به همین مناسبت بد نیست از موضع یک "حجة الاسلام" وظیفه شرعی خویش را در قسمت "امر به معروف ونهی از منکر" نیز انجام داده برایتان یاد آور شوم. اینکه خود نمی توانید بنویسید واز کس ویا کسان دیگری کمک می خواهید، از دید من قابل احترام وحق دموکراتیک تان می باشد اما متوجه باشید وقتی کسان دیگری برای شما قلم می زنند ودر اخیر اسم شما را پای مطلب می گذارند، دروغ بارتان نکنند.

از آنجائیکه در این اواخر شعر دانی های لانه انقیاد طلبان به جوش آمده و بیدلی خویش را در مقابله با دشمنان میهن با سنگر گرفتن در عقب "بیدل" پنهان می نمایند، شما را متوجه این بیت سعدی می سازم امید است به کارتان آید:

دروغ آدمی را کند شرمسار دروغ آدمی را کند بی وقار

واما در رابطه با دلایلی که امروز می نگارید باید به عرض برسانم:

۱- اینکه نوشته اید این قلم ظرفیت تحول در اندیشه فکری خود را نداشتیم- **به خاطر آنکه بین تمام اعضای رسمی لانه انقیاد طلبی تان یک آدمی نیست که بتواند معنی درست کلمات را درک نماید از بحث روی ترکیب "اندیشه فکری" می گذرم چه ترس دارم در آن صورت دوستان مرا ملامت نمایند که "نزد کله خر یاسین می خوانم" مگر حیقم می آید همین قدر تذکر دهم که کلمات را بی ارزشتر از مدفوع حیوانات ندانید، اول آنها را "پشقل" بسازید بعد از دهن بیرون نمائید- آفرین وصد رحمت حق بر استاد تان که این قلم را زودتر وبهتر از شما شناخته بود. چه از نخستین روزیکه در سال ۴۴ برای یک سال از مکتب اخراج گردیدم تا اکنون آدمی بوده وهستم ضد ظلم، ضد تجاوز، ضد وطن فروشی، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم. برای آزادی تا آستانه مرگ پیش رفته ام وباز هم حاضریم برای رسیدن به آن از جانم مایه گذارم. نه با متجاوزین روسی کنار آمده توانستم ونه هم می توانم با متجاوزین ناتو سر یک سفره بنشینم، برایم اجنبی متجاوز از هر کشور وبا هر کیش ومذهبی که باشد، متجاوز بوده آنها را دشمنان خودم، دشمنان میهنم ودشمنان مردم می دانم، همانطوریکه دیروز در هنگام جوانی بر روی آنها شلیک نمودم تا آخرین دقایق حیات نیز بر آن عمل خویش پا فشرده هیچ هراسی ندارم از اینکه با خون دشمنان میهنم وضو تازه نمایم. لذا در این قسمت نامه به شما صد در صد حق می دهم چه در من ظرفیت تغییر "اندیشه فکری" به آن مفهومی که شما استنباط می نمائید اصلاً وجود نداشته وتا آخرین رمق حیات به وجود نخواهد آمد.**

۲- واما اینکه هنوز هم در مورد هویت من دچار اشکال هستید، اگر مطمئن می بودم که این خواست آن نهاد هائی نیست که با آنها در تمام عرصه ها همکاری می نمائید یک قطعه عکس رنگی خویش را به آدرس تان می فرستادم. با آنهم از این بابت زیاد متأثر نباشید می توانید با گرفتن عکس از درون "یو تیوب" و ارسال آن به همان جاییکه می خواهید سر انجام "نان را حلال" نمائید.

۳- واما در ارتباط با معلومات اندکی که در امور مذهبی دارم، صرف نظر از آنکه در هنگام خودش وطن فروشانی از لائۀ انقیاد طلبان ادعای همدرس بودن من را در قم نموده و کم مانده بود که بهتان نقش محلل را نیز بین والدین شان به من حواله نمایند، باید به عرض برسانم که از مذهب همانقدر معلومات دارم که از حیطة انتقاد خارج نگردد و اما اینکه از کجا چنین شایعه ای - نه شایعه- بر زبان ها افتاده فکر میکنم گذشته از جهل برخی ها در مورد دین و مذهب، کمکی را که گاهگاهی به "خرفیلسوف" لائۀ تان که زمانی عضو هیأت رئیسه شورای انقلابی بود و آقای نوری به مناسبت معراج انجام داده ام باعث آن شده تا افراد کودنی از قماش شما نتوانند بفهمند که به گفته شما "اندیشه فکری" من در کدام سمت است. مگر یک نکته را مطمئن باشید آنانیکه مغزشان بیشتر از درازگوش ظرفیت دارد می توانند بفهمند که از لحاظ فکری من کیستم و چگونه فکر می کنم. - **جا دارد از سیادت خود استمداد نموده در حق شما دعای خیر نمایم تا مگر شما نیز به آن درجه از درک نایل آید که با درازگوشان یکسان ارزیابی نگردید.**

۴- اینکه من در کجا زندگی می کنم و آیا حق دارم مبارزه نمایم ویا خیر ، ضمن آنکه توجه تان را به نوشته پربار شخصیت مبارز و آزادیخواه کشور داکتر صاحب "عزیز" زیر عنوان "به افغان جرمن آنلاین آقای قیس کبیر" جلب می نمایم، به کوری چشم شما و همقطاران تان باید بنویسم :

صرف نظر از آنکه افرادی چون این قلم همان موسی هائی هستند که در درون خانه فرعون به کندن قبر وی اشتغال دارند، ما هر دو وقتی در خارج زندگی می نمایم هر کدام از ما نماینده یک طرز تفکری می باشیم که پایه و اساس آن در داخل افغانستان وجود دارد. انقیاد طلبی و آزادیخواهی. به موازات آنکه مبارزه این دو طرز تفکر در داخل افغانستان سرنوشت و آینده کشور را رقم می زند، در خارج از افغانستان نیز هریک از آن تفکرات نماینده ها و مدافعان خویش را دارد. همانطوریکه خودت وسایر انقیاد طلبان لانه کرده در لائۀ انقیاد طلبی تان به نمایندگی از اشغالگران در خارج از افغانستان به مشاطه گری اشتغال دارید، من و صد ها چون من نوعی نیز به خود حق می دهیم تا به کوری چشم دشمنان میهن ما از درون دژ های سرمایه داری اشغالگران را زیر ضربات پیهم خویش قرار دهیم. هر چند "فهم" تخلص می نمایی امید از من نرنجی وقتی می نویسم ، طرح چنین مسأله ای از عقل خودت اندکی بالاتر است، به یقین بادران و تمویل کنندگان تان هستند که از شما می خواهند تا در خارج از افغانستان علیه استقلال طلبی و آزادیخواهی به مبارزه برخاسته در صورت امکان آزادیخواهان را دست بسته به آنها تحویل دهید، تا شاید به تحمیق مردم خویش بیش از این ادامه دهند.

آنچه گفتم ادعا نیست بلکه سندیست بر وابستگی غلیظ شما به استعمار و امپریالیزم. چه هر گاه تحرکات اخیر پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" در عرصۀ سیاست داخلی کشور های اروپائی به خصوص المان نمی بود و مسأله اخراج نیروهای اشغالگر از افغانستان با چنین جدیتی مطرح نمی گردید، واز جانب دوستان اروپا و در کنار آنها این قلم طرح اخراج اشغالگران را به رسانه هائی از قبیل "N24" نمی کشانیدیم، به یقین امروز مجبور نبودیم نهیق گوشخراش شما را بشنویم.

باور کنید تا جاییکه به من مربوط است من از شما هیچ گله ای ندارم چه میدانم "مامور معذور" است. شما ها مجبور هستید در بدل چندر غازی که می گیرید خدمتی هم برای ارباب تان انجام دهید، ودر مقطع کنونی چه خدمتی بالاتر از مصروف ساختن دشمنان آنها به مسایل فرعی.

۵- آخرین نکته ایکه آقای "فهیم" از گنجینه فهم شان بیرون ریخته اند، همان ادعائیت که قبل از وی یار غارش پرچمی زاده رسوا نموده بود وبه وسیله داکتر صاحب "عزیز" جواب خود را دریافت داشت، تکرار آن بحث از قلم آقای "فهیم"- خدایا تو شاهد باش که با این انتساب من تهمت نزده ام بلکه ادعای خودش را صحه گذاشته ام- ونشخوار آن از طرف برخی ها ی دیگرکه اینطرف و آنطرف لجن پراگنی می نمایند، می رساند که آنها قادر به درک بحث آقای داکتر صاحب "عزیز" نشده اند و ايجاب می نماید تا اندکی بیشتر بر آن روشنی انداخته شود.

قبل از بحث روی مفهوم آن ادعا ، باید نوشت همانطوریکه داکتر صاحب "عزیز" تذکر داده اند ما در بدل دادن پول به یک متخصص ایرانی که از طیف مخالفین سرسخت رژیم جمهوری اسلامیست، سایت خویش را دیزاین و فعال ساختیم. یعنی در مقابل کار مشخصی نیروی کار کسی را خریدیم، حال نمی دانیم کجای این کار عیب دارد که نهیق لانه انقیاد طلبان را بر انگیزته است.

آقای "فهیم" از شما هیچ پنهان نمی کنیم، وقتی مسأله ساختن سایت مطرح بود یکی دوبار نام شما نیز در بین آنهایکه آماده اند نیروی کارشان را به فروش برسانند مطرح گردید اما به زودترین فرصت با شناختیکه از شما وجود داشت ، آدم نا مطمئن تشخیص داده شده و هر نوع همکاری با شما حتا خرید نیروی کارتان مردود شناخته شد و اما اینکه چرا ما طی مدتی که مبارزه علیه جمهوری اسلامی در داخل ایران اوج گرفته، به نشر برخی از نوشته های مخالفین رژیم جمهوری اسلامی دست یازیده ایم ، چشم ما روشن که موضع جدید تان را نیز دانستیم. اگر این موضع جدید شما نباشد چرا باید به دفاع از رژیم آخندی ودر مخالفت با ما قلم بزنید؟

طرح مسأله به شکلی که دیروز علیه دیکتاتوری فرهنگی ایران از طرف برخی از متصدیان پورتال مبارزه صورت می گرفت وامروز گویا به ضد آن پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" عمل می نماید، در ظاهر به شکل وحشتناکی احمقانه به نظر می خورد و آنهم بدین دلیل که چطور می توانند یک جمعی که ادعای سیاست وخدمت به مردم افغانستان را داشته باشند، اینقدر احمق باشند که فرق بین مبارزه علیه یک دولت ارتجاعی وعظمت طلب را با حمایت از مخالفین ماهیتی آن رژیم نتوانسته هر دو را یکی دانسته واجتماع آنها را محال بدانند.

برای این صغیر هائیکه از لحاظ فکری "کبیر" چه که حتا به بلوغ نمی رسند و به همان سان برای آنعه از افراد نادانیکه " خود جن شده اند وفهم بسم الله" باید گفت:

ما در عمل ثابت ساخته ایم که نتنها دشمن جمهوری اسلامی هستیم وحاضریم با مخالفان آن رژیم به غرض سرنگونی آن نظام ضد انسانی هر نوع مساعدتی انجام دهیم، بلکه این را نیز در عمل به اثبات رسانیده ایم که با مردم ایران هیچگونه مشکلی نداریم. ما با شرکت خود در فعالیت های مبارزاتی مخالفان رژیم آخندی ونشر نوشته های شان بر تمام پیشداوریهاییکه گویا افغانستان آینده به مثابه چماق دست استعمار در خواهد آمد، خط بطلان کشیده ثابت ساختیم، که مردم افغانستان به همان میزانیکه از اسلام سیاسی دوری می گزینند، استعمار ستیز نیز می باشند.

از آن گذشته ما بار ها گفته ایم که به خاطر پیروزی علیه متجاوزان ناتو ضمن اعتقاد راسخ به اینکه اساس هر تغییر فقط مردم دلیر واستعمار ستیز کشور ما می باشد، به کمک فرد فرد انسانهای کره زمین نیز نیازمند هستیم، وقتی از این منظر به قضایا نگریسته شود واضح می گردد که فقط آنهائی را می توان در امر مبارزه به خاطر آزادی افغانستان و بهروزی مردم آن صاحب عزم راسخ واستوار دانست که بر همین اصول پافشاری می نمایند. از آن

گذشته وقتی ما می خواهیم افراد سایر کشور ها از واقعیت آنچه در افغانستان می گذرد مطلع گردند، نشر نشرات دیگران به منظور جلب خوانندگان آن طیف اهمیت تاکتیکی ارزشمندی می یابد.

واما گذشته از طرح ظاهری که عمق حماقت طراحان آن را آشکار می سازد، می توان دستان استعمار را نیز در دامن زدن به اختلافات بین همسایه ها و مصروف ساختن قلم به دستان فعال آنها ، در امری که برای امروز نه عمده است و نه هم تعیین کننده، از دور مشاهده نمود. کاریکه لانه انقیاد طلبان از نخستین روز های موجودیت ننگین خود آنرا به مثابه خط حرکی خویش برگزیده با تمام قوا می کوشد تا روشنفکران متعهد کشور را به جنگهای غیر لازم مصروف ساخته ، فرصت لازم برای استعمار و امپریالیزم کمائی نماید.

وقتی از این منظر به قضایا نگریسته شود واضح می گردد که طراحان عمده ساختن اختلاف با ایران و یا هر کشور دیگریکه در اشغال افغانستان مستقیماً نقش ندارد، در صورتیکه آگاهانه به این کار مبادرت بورزند، مشتی خاین، وطن فروش و اجبر بیگانه اند که با جا به جایی تضاد ها می خواهند دشمنان اشغالگر را از اماج حملات مردم ما به دور دارند. با نا آگاهان و آنهائیکه بر مبنای طینت زشت شان زوزه می کشند، باید دست به دعا برداشت و گفت:

"خدایا از عمر اینها کم کن و بر عقل شان بیفزای"

حال می ماند آقای "فهمیم" و سایر مدعیان تشدید دشمنی با ایران و کشور های دیگریکه بر ما یورش نبرده اند که کدام یک را زیب اندام خویش می دانند:

حماقت تا سرحد وحشتناک آن

خاین به وطن و مزدور اجنبی

اگر کسانی پیدا شوند که هر دو لباس را بر تن نموده باشند به یقین جایش کادر رهبری سایت انقیاد طلبان می باشد